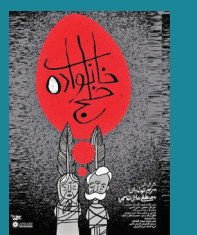
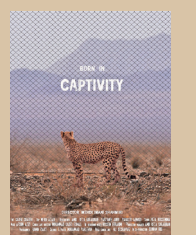




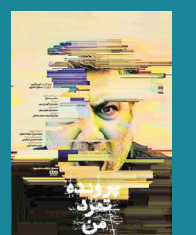
دردیس کارگردان: صادق داوری فرو
فیلمساز: سعید شمس‌زاده
ژانر: مستند



خانواده خلیج کارگردان: مریم الهیامیان و
مصطفی حاجی فاسمی
ژانر: مستند



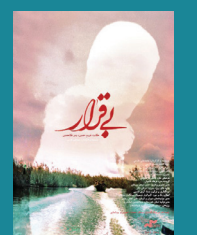
تکثیر در اسارت کارگردان: تهیه کننده:
مهدی امانی شهمیری
ژانر: مستند



پرونده ترمود من کارگردان: مسعود دهنوی
ژانر: مستند



دو دختر کارگردان: محمدرضا
خوش‌فرمان
ژانر: مستند



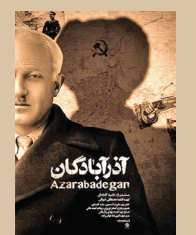
بی فرار کارگردان: محمدعلی فارسی
ژانر: مستند



بحران خاموش کارگردان: محمدحسن
حقیقی
ژانر: مستند



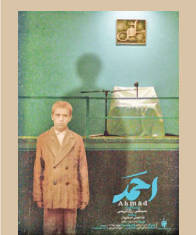
آوار کارگردان: عبدالخالق ظاهری
ژانر: مستند



آذرآبادگان کارگردان: حامد گدجاهی
ژانر: مستند



آخرین کوسه نهنک کارگردان: امین پالان
ژانر: مستند



احمد کارگردان: مصطفی زاق کریمی
ژانر: مستند

در گفت‌وگوی «ایران» با محمد شکیبانی مطرح شد جشنواره حقیقت، خط پایان ماراتن مستندسازی است

جشنواره

محمد احسان مفیدی کیا

خبرنگار

روز گذشته (۲۷ آذرماه) روز آغازین هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، «سینما حقیقت» بود. این رویداد در بخش‌های رقابتی ملی و بین‌المللی برای فیلم‌های کوتاه، نیمه‌بلند و بلند، جایزه شهید آوینی و نمایش ویژه و چند بخش جانبی دیگر، شاهد بیش از ۱۰۰ اثر است که از میان ۶۰۰ اثر ثبت‌نام کرده در جشنواره در چهار بخش بلند، نیمه‌بلند، کوتاه و آوینی و در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، مقاومت، زیست‌محیطی، تاریخی، کارآفرینی، ورزشی و دیگر حوزه‌ها به رقابت می‌پردازند. حالا که فهرست فیلم‌های منتخب از دید هیأت‌های انتخاب بیرون آمد و بناست که مخاطبان و علاقه‌مندان سینمایی مستند این آثار را بر پرده سینما ببینند، با محمد شکیبانی، تهیه‌کننده صاحب‌نام فیلم‌های مستند که خود در جشنواره‌های پیشین هم در مقام مستندساز و هم هیأت اجرایی حضور داشته، درباره کم و کیف آثار این دوره گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

بد نیست گفت‌وگو را با یک سؤال اساسی یعنی کارگردان جشنواره‌ها آغاز کنیم. از نگاه شما که هم در جایگاه شرکت‌کننده و هم برگزارکننده در جشنواره‌های بسیاری در حوزه فیلم مستند حضور داشته‌اید، جشنواره سینماحقیقت چه کارکردی می‌تواند داشته باشد؟

جشنواره رویداد و گرهمایی پایانی است برای یک سال تلاش مستندسازان کشور، برای اینکه آثارشان دیده شود، مورد قضاوت قرارگیرند و تشویق شوند. جشنواره به آن معنا که شاید در سینمای داستانی مد نظر است کارکرد بخش و انتخاب برای اکران ندارد، چه بسا مستندهایی که جایزه بهترین فیلم را هم گرفته‌اند اما در تلویزیون هم پخش نشده‌اند. این روند نشان می‌دهد که جشنواره فیلم مستند مخاطب خاص خود را دارد، اینجا بیشتر جامعه مستندسازان شرکت‌کننده‌اند یا فیلمی در جشنواره دارند که در معرض دید دیگران قرار خواهد گرفت یا به تماشای آثار همکاران خود می‌نشینند.

در جشنواره‌ها معمولاً تعداد زیادی فیلم ثبت‌نام می‌کنند، برای مثال این عدد در جشنواره هفدهم سینماحقیقت به ۶۳۰ اثر رسیده است و از آن میان تعداد کمی انتخاب شده و از بین منتخبات تعداد کمتری نامزد و در پایان راه، جایزه بهترین فیلم در هر بخش فقط به یک اثر می‌رسد. خوب برای فیلم برگزیده قطعا آن افتخار بزرگی است اما برای آن تعداد زیادی که در آن فهرست محدود نهایی نبوده‌اند، چه حس و حالی باقی می‌ماند؟

ستاد جشنواره، امسال باتوجه به ۱۵ درصد از فیلم‌های رسیده را انتخاب کرده، این برای دیگر جشنواره‌ها معمولاً تا ۱۰ درصد است و خوب از بین همین تعداد هم فرایند نامزد جایزه شدن و انتخاب فیلم برنده طی

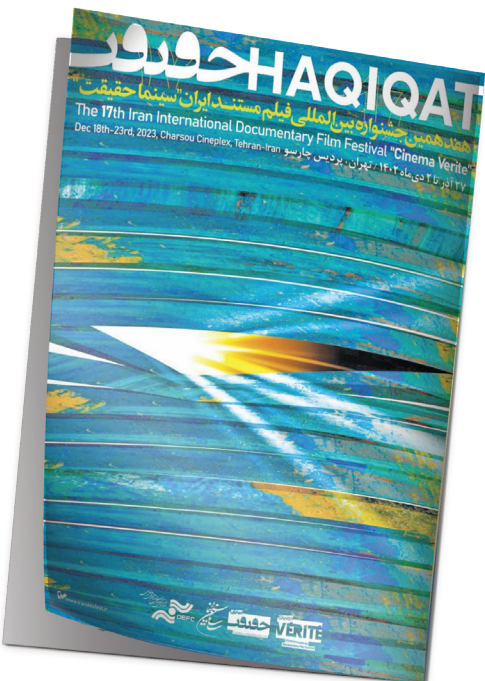
می‌شود. جایزه یکی است و بهترین‌ها در هر رشته یکی هستند و این خیلی متأثر از نگاه و سلیقه هیأت‌های داوران است. برای مثال در جشنواره سیزدهم سینماحقیقت، فیلم «گلوله باران» ساخته مرتضی پایه‌شناس و احمد مؤمن جایزه بهترین کارگردانی و تصویربرداری مستند را گرفت درحالی که برعکس برخی، فیلم‌های بهتری هم در جشنواره بودند، اما در آن سال، آقای شیردل که رئیس هیأت‌های داوران بود، با این استدلال که مستندسازی جرات داد. ممکن بود در همان زمان داوران خود نشان داده است، جایزه را به آن داد. این اتفاق با دید متفاوتی بیاید و فیلم دیگری انتخاب شود. اکثر فیلم‌هایی که به جشنواره ارسال می‌شوند انتخاب نمی‌شوند بنابراین فیلم‌های انتخاب شده تا حد زیادی به مقصود خود رسیده‌اند: دیده شدن و ارزیابی توسط داوران و مخاطبان. این اصل قسیمه است. جایزه گرفتن، هم مهم نیست و هم مهم است! منظوری است که دیده‌شدن همان جایزه‌ای است که مستندساز از جشنواره با خود خواهد برد و از بین همه این آثار حاضر در جشنواره حد اکثر ۱۶ فیلم ممکن است جایزه‌ای گیرشان باید که کمتر از ۲۰ درصد است. در جشنواره اولین گروه ناراضی همان گروهی هستند که اساساً به جشنواره راه نیافته‌اند. در بین راه‌یافتگان هم عده‌ای هستند که معتقدند اثرشان مستحق نامزدی یا حتی بالاتر از جایزه است و خوب اغلب با وضعیتی متفاوت از توقعشان مواجه می‌شوند و بلافاصله پس از اعلام نامزدها تبدیل به گروه ناراضی می‌شوند و علیه برگزارکنندگان جشنواره ابراز ناراضی می‌کنند. به گمان من این رفتار، رفتار بازنده‌هاست. فیلمساز برنده به نظرات گوناگون درباره فیلمش گوش می‌دهد، سکوت می‌کند و از فرصت بودن در جشنواره استقبال کرده و حداکثر بهره‌ر را می‌برد حتی اگر معتقد باشد اثرش فهمیده نشده و در حقیقت عدالت رعایت نشده است. اتفاقاً این

رفتار دقیقاً رفتاری است که همه در رفتار جشنواره‌های خارجی پیش می‌گیرند اما در حقیقت گویا توقعات متفاوت است. تا اینجا کار معلوم شد که اگر من مستندساز به جشنواره راه بیایم و فیلمم انتخاب شود، بیشتر از موفقیت را رفته‌ام. از اینجا کار به بعد دیگر نقش دیدگاه و حتی سلیقه هیأت داوران مطرح است و شرایط جشنواره و گاهی فاکتورهای زمینه‌ای که می‌تواند فیلمی را نسبت به دیگران برتری دهد. این البته ناقص این حرف نیست که فیلمی بهتر از دیگری باشد اما اگر فرض را بر تساوی یا فاصله نزدیک به لحاظ کیفی بگذاریم، بخش گذشتن از فیلتر انتخاب، بخش اعظم پیروزی در جشنواره است. البته من تجربه انتخاب نشدن را داشته‌ام و این واقعاً حس بازنده بودن به مستندساز می‌دهد. انگار با انتخاب شدن بیشتر مزد زحمت خود را می‌گرفتم و باقی را به دست قضا می‌سپردم.

بله، مهم‌ترین قسمت یک جشنواره این است که درست انتخاب کند و در مرحله دوری هم مهم‌ترین وظیفه این است که فیلم‌های در دست نامزد کنند. نامزدها همه برابرند و همه برنده‌اند. حالا اینکه آن یک جایزه مهم چه فیلمی باشد، این دیگر می‌تواند سلیقه‌ای‌ترین کار در جشنواره باشد.

اگر این تمثیل را بپذیریم که جشنواره ویتزینی برای داشته‌های یک‌ساله سینمای مستند ما است، برنده کسی است که در ویتزین قرار بگیرد.

بله، حالا در این ویتزین یک چندتایی در طبقه طلایی جلوی دید قرار



جشنواره رویداد و گرهمایی پایانی است برای یک سال تلاش مستندسازان کشور، برای اینکه آثارشان دیده شود، مورد قضاوت قرارگیرند و تشویق شوند



می‌گیرند و یکی در آن جایگاه خاص اما این مهم نیست، چه اینکه اگر یک ویتزین بود و صرفاً یک فیلم در آن قرار می‌گرفت دیگر تماشاگر چندانی پای تماشای آن نمی‌ایستاد، کل این ویتزین است که به آن رویداد هویت و رنگ و لعاب می‌دهد. نشان انتخاب رسمی» است که مدال افتخار فیلم‌هاست. مثل دو ماراتن است، آن کسانی که سابقه را تمام می‌کنند به افتخار رسیده‌اند و آنها حظی را که می‌خواستند بردهند و دیگران یک نغری که جایزه اول را در یک ماراتن می‌گیرند آنقدر مهم نیست که کل رویداد دیدن جمعی و عبور از خط پایان مهم و هویت‌ساز است. خط پایان ماراتن مستندسازی هم همین جشنواره حقیقت است.

هاروکی موراکامی در کتاب شاخص خود: «از دو که حرف می‌زنم از چه حرف می‌زنم»، دقیقاً حسی که شما از ماراتن بین‌المللی رویداد را تجربه خودی از مسابقات ماراتن که سال‌هاست در آن شرکت کرده، در زیباترین عبارات بیان می‌کنند. موراکامی، بودن در رخداد را اصل و گذشتن از خط پایان را تمام کار می‌داند و هیچ‌گاه از برنده و اول شدن حرف نمی‌زند. اجازه دهید سؤال دیگری بپرسم، هر جشنواره‌ای مجموعه‌ای از ضوابط، شرایط و سلاطین دارد که خاص خود است و البته اگر جشنواره دولتی باشد این بیشتر در سیاست‌های روز و حاکم بر مناسبات حاکمیتی نمود دارد یا اگر جشنواره به نهادهای خاص مربوط باشد، سعی در برآورده کردن سلیق سازمان متبوع خود دارد؛ سؤال اینجاست که آیا این رویه در جهان معمول است و جشنواره‌های معروف هم همین شرایط را دارند؟

همه جشنواره‌ها (تا جایی که من می‌شناسم) یک اتمسفر و آمیختگی دارند. گاهی جشنواره‌ای موضوع خود را مشخص می‌کند و می‌گوید مثلاً من در حوزه محیط زیست، حیات وحش یا ورزشی، آثار را می‌پذیرم. این رویدادها که تکلیفشان معلوم است، اما جشنواره رسمی جشنواره‌ای باشد در اغلب بعد از چند دوره، کاراکتری از خودشان در دست می‌کنند که این خیلی به سلیقه و عملکرد دبیر و شیوه اداره آن برمی‌گردد. تم‌های سیاسی بیشتر نادان به فیلم‌های هنری و گاهی هم اجتماعی است. اتمسفر خاص هر جشنواره است که به مرور زمان پرچم

آن جشنواره می‌شود. این موضوع البته استثناهایی هم دارد. در مورد سینماحقیقت هم همین است. این جشنواره با ۱۷ دوره‌ای که از آن گذشته، شاکله‌ای به خود گرفته است. موضوع جشنواره آزاد و ضمناً متأثر از جریان‌های غالب اجتماعی است و باعث می‌شود گرایش آن بیشتر به سمت فیلم‌هایی با تم اجتماعی باشد تا اینکه به مستندهای ورزشی صرف بهمانه. دولتی بودن قطعاً محدودیت‌هایی برای جشنواره و خط قرمزهایی برای آثار قرار می‌دهد و به علاوه توقعاتی هم برای شرکت‌کنندگان ایجاد می‌کند. سیستم اداره جشنواره و شکل مدیریت ارزیابی آثار هم باعث شکل دادن به قالب جشنواره است. همه این شرایط باعث می‌شود جشنواره سینماحقیقت منحصره‌فرد باشد.

جشنواره حقیقت هر سال یکی، دو موضوع را در اولویت خود قرار می‌دهد؛ امسال چطور، آیا به عنوان خاصی توجه ویژه‌ای خواهد شد؟

امسال مستندهایی با موضوع آب و جمعیت از حیث اهمیت این مسائل مورد توجه خواهند بود و البته همیشه در جشنواره سینماحقیقت مسائل زیست‌محیطی و آسیب‌های اجتماعی مهم و در کانون توجه بوده‌اند.

نکته دیگری که در مورد آثار و جشنواره قابل طرح است، چرخه اقتصاد در سینمای مستند است. مسأله اکران در بسترهای مختلف یا بازارهای فروش فیلم، اینها چه ساختاری دارند. فیلمساز چطور باید خود را رونق اقتصادی قرار دهد که بتواند سال به سال و فیلم به فیلم اولاً ادامه بدهد و ثانیاً بر کیفیت آثار بیفزاید؟

فیلم مستند که به معنی مرسوم آن در سینمای تجاری امکان اکران ندارد، در جاهای دیگر دنیا هم کم‌وبیش همین‌طور است و برای فیلم مستند بازارهایی است که تلویزیون‌ها و دیگر مراجع پخش بیایند و فیلم‌های مستند را ببینند، بیست‌دند و بخزند. در مورد این بازارها هم باید گفت صرفاً فیلمی که جایزه بگیرد یا انتخاب رسمی جشنواره‌ای باشد در معرض دید و خواست خریداران قرار نمی‌گیرد، بلکه عرضه در بازار چینی یک جشنواره یک فرصت مغتنم است از این بابت که یک جوان مستندساز برقرار می‌سازد. در نتیجه و به طور خلاصه می‌توان این‌طور گفت که اقتصاد جشنواره نه در خود آن، بلکه در رویدادهای جانبی که معمولاً بازار فیلم و شبکه‌های همکاری ناشی از آن است، پیگیری می‌شود.

هر ساله در دنیا جشنواره‌های متعدد و معتبری با موضوع فیلم‌های مستند برگزار می‌شود. در فرانسه، بلژیک و آمریکا مستندسازان از سراسر دنیا و همچنین از ایران آثار خود را به آن کشورها می‌فرستند و نتور جشنواره‌ها را داغ می‌کنند. آیا جشنواره حقیقت هم در آن جایگاه هست و این جشنواره را مستندسازان خارجی می‌شناسند؟

بله، جشنواره حقیقت ما را در دنیا می‌شناسند اما نباید فراموش کنیم که عنوان بین‌المللی این جشنواره در سطح الف و تراز اول نیست چراکه این جشنواره بیشتر توان خود را صرف بخش ملی کرده است و برای ما هم بیشتر فیلم‌های ملی مهم بوده‌اند. شاید رویکرد بدی نباشد که ما بیشتر به آن بخش بین‌المللی توجه نکنیم؛ در آن صورت شاید این محدودیت‌های دولتی هم کم‌رنگ‌تر شود و اصلاً موضوعیت خود را از دست بدهد. این امکان برای جشنواره وجود دارد که خود را در عرصه بین‌المللی مطرح کند، به شرطی که سیاستگذاری کلی این قصد را داشته باشد و منابع بیشتری را به آن اختصاص دهد. در حال حاضر این موضوع که جشنواره حقیقت در روزهای پایانی سال میلادی برگزار می‌شود عملاً نمی‌تواند یک جشنواره جریان‌ساز برای سال پیش‌رو در عرصه بین‌الملل باشد و البته حسن آن برای ما مخاطبان داخلی این است که خیلی از فیلم‌های شاخص جشنواره‌های جهانی به این جشنواره راه می‌یابند و ما امکان تماشای آنها را داریم.

از میان فیلم‌هایی که امسال دیده‌اید کدام نظرات را جلب کرد؟

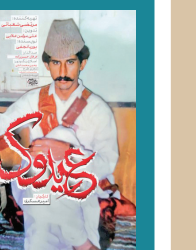
من بیشتر فیلم‌های بلند و نیمه‌بلند را دیده‌ام و بدون ترتیب و البته به عنوان نظر کاملاً شخصی عرض کنم که «پدگر» با آن ریتم کند و فضای مرموز و جادویی فیلمی پسندیدنی برایم بود. «قوی‌دل» درام خوبی داشت و مخاطب را به خوبی درگیر می‌کرد بخصوص با بازسازی‌های خلاقانه و کمدی سباهی که داشت. فیلم «خانواده خلیج» چون از سال‌ها پیش دنبالش می‌کردم، به نظر فیلم قابل ارائه‌ای شده و خوب از کار درآمده است. فیلم مستند «تکثیر در اسارت» هم برایم شگفت‌انگیز بود از این بابت که یک جوان مستندساز سمنانی آن را برای تلویزیون سمنان ساخته است و این خیلی غیرمنتظره و خوشحال‌کننده بود. این فیلم‌ها در ذهنم مانده است، شاید آثار دیگری هم بوده‌اند که باید به این فهرست اضافه کنم.



قوی‌دل کارگردان: علی فراوانی صدر
ژانر: مستند



فراموشی مزمن کارگردان: عباس وهاب
ژانر: مستند



عیدوک کارگردان: امیر سعیدی
ژانر: مستند



عراق چگونه اراک شد کارگردان: سعید شمس‌زاده
ژانر: مستند



سونوگرافی کارگردان: هادی مرادی
ژانر: مستند



ستار الکلاسیکو کارگردان: هادی شریعتی
ژانر: مستند



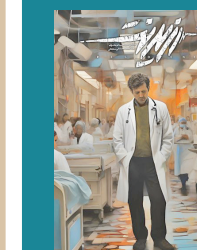
زیبا، لایدی، میندل کارگردان: امیررضا جوادی
ژانر: مستند



رویای بزرگ کارگردان: احسان مشکور
ژانر: مستند



زیندنت کارگردان: امیرمحمد
کوچک‌زاده
ژانر: مستند



راز عیسی کارگردان: امین شمیلی
ژانر: مستند



راز عیسی کارگردان: امین شمیلی
ژانر: مستند